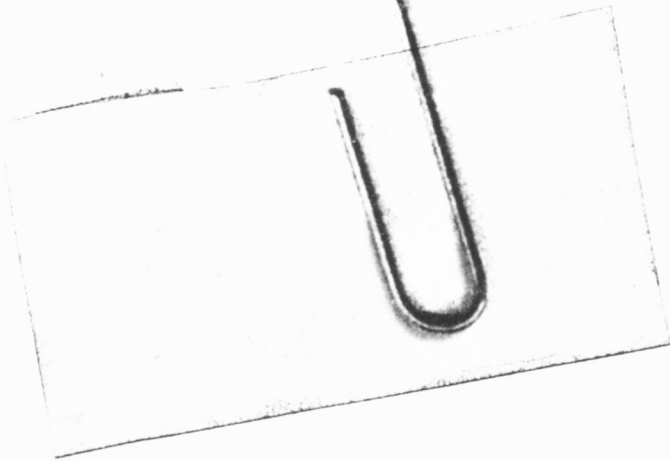


|| بال‌هکلی‌گانی ||

شعرهای منتشرشده‌ی سیدحسن حسینی



تاریخ ۱۳۶۸/۱۱

| از هیچ |

من کی‌ام؟ نقش پنداری از هیچ
 بر زمین خدا باری از هیچ
 بیش و کم حاصلم شد ز هستی
 اندکی پوچ و بسیاری از هیچ
 جز به حکم فنا سر نهادن
 بر نیامد دگر کاری از هیچ
 روی پیشانی دل نوشتم:
 «موزه‌ی کهنه آثاری از هیچ»
 خون بی‌رنگ من خفت در باد
 کوفتم سربه دیواری از هیچ
 سقف هستی مرا سرنگون کرد
 لیه شدم زیر آواری از هیچ

| رستخیز روح |

تاریخ ۱۳۷۰/۵/۷

در وجود هم فشرده می شدیم
 زنده می شدیم و مرده می شدیم
 گرم و پرتوان، به سوی بی‌نشان
 روی تخت باد، بُرده می شدیم
 نبض زندگی زبانه می کشید
 فارغ از جهان مرده می شدیم
 لحظه‌های گُر گرفته می جهید
 یک نفس اگر فشرده می شدیم
 در میان دست‌های روز و شب
 چون صدف به هم فشرده می شدیم
 روح ما فرشته بود ما گرچه باز -
 از زمینیان شمرده می شدیم
 مثل نان پخته‌ای در آسمان
 داغ داغ داغ خورده می شدیم
 در فرود از آسمان به دست خاک
 چون امانتی سپرده می شدیم
 آسمان دوباره می ستاندمان
 سوی اصل خویش برده می شدیم
 خون‌مان به پای ساقه می چکید
 لاله‌های زخم خورده می شدیم
 رستخیز روح بود و حشر تن
 زنده می شدیم و مرده می شدیم ...

[تغییر بخش]

[تعویذ گمشده]

تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۴

ای جوانه بخش جاودانی ام
یادگار کشف آسمانی ام
ای نهاده دست گرم مرحمت
بر ضریح سرد استخوانی ام
من همیشه زخم دار فتنه ام
من همیشه گشته‌ی تبانی ام
گردنم یتیم بوسه‌ی تو شد
- قبله‌گاه حس ارغوانی ام -
قوس نام روشنت چه‌ها نکرد
در کنار ظلمت کمانی ام!
بی تو می‌رسد به جاده‌ی جنون
جست و جوی این تن روانی ام!
بی تو شد سیاه‌ترز سرنوشت
لحظه‌های صاف کهکشانی ام
نقره‌ای تراز تو نام روشنی

گل نکرده بر لب نهانی ام
من تو را فصیح زنده می‌کنم
با دم مسیح بی‌زبانی ام

شک ندارم ای خدای سیمگون
عاقبت زدبو، می‌ستانی ام
مثل کودکی که تازه گم شده
در کنار خویش می‌نشانی ام
می‌وزی خلاصه بر تمام دل
از غبار هول، می‌تکانی ام

ای ستاره‌ی شگفتِ سرمدی
بُرده تا مدارِ مهربانی ام
پیری ترانه‌ی مرا ببخش
ای جوانه بخش جاودانی ام

تغویب گمشده
 این مرقدی در ایالت سیستان
 با نام کت آنجا در سیستان
 در ایالت سیستان

تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۰

[احتمال]

دلم آهنگ خستگی دارد
 احتمال شکستگی دارد
 سیم ناکوک این دو تار غریب
 رو به سوی گسستگی دارد
 گرچه یک دست خارج آهنگ است
 گله‌ها از دو دستگی دارد
 به درستی قسم که ساز دلم
 شورها، در شکستگی دارد
 باز با عشق می خورد پیوند؟
 این به چشم تو بستگی دارد

۲۰۲۰

تغویب گمشده
 این مرقدی در ایالت سیستان
 با نام کت آنجا در سیستان
 در ایالت سیستان

تاریخ؟/؟/؟

[نغمه]

چرخ دلم دوباره چرا لنگ می زند
 آنجا که عشق نغمه و آهنگ می زند
 هر جا که مثل شیشه نمایان شوم، چرا
 یک اتفاق ساده به من سنگ می زند
 مرغ غم تو با دل من اُخت و آشناست
 مرغی که نُک به این قفس تنگ می زند
 تصویر درد، بس که ظریف و مؤدب است
 پیش از سفر به آینه‌ها زنگ می زند!